

بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران

سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

افسانه سیفی ناجی^۲

محمدحسین جمشیدی^{۳*}

محسن اسلامی^۴

چکیده

بحران سیاسی کشور سوریه، یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه‌ای چند دهه اخیر است که در جریان آن، علاوه بر عوامل داخلی، عوامل و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر اساس راهبردها و منافع ملی خود نقش‌هایی گوناگون را در فرایند این بحران اعمال می‌کنند؛ این در حالی است که شناخت عوامل و بازیگران مؤثر در هر بحرانی، مهم‌ترین نقش را در تبیین آن بحران و کشف راه‌های پایان‌دادن به آن برعهده‌دارند؛ براساس این، پرسش اصلی نوشتار حاضر، این است که «مهم‌ترین عوامل و بازیگران زمینه‌ساز، استمراربخش و تشدیدکننده بحران سوریه چه بوده‌اند؟».

یافته‌های مقاله که با رویکرد تحلیلی - تبیینی و با روش مطالعه موردی و متکی به مدل پژوهشی برچر (که با نمایشی از ترکیب مراحل بحران و عوامل و علل ایجادکننده و تشدیدکننده آن) برای تبیین بحران در قالب چهار مرحله تعیین‌کننده «ایجاد، گسترش، کاهش و پیامد» می‌کوشد و همچنین با اتکا بر داده‌های کتابخانه‌ای درخصوص مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران سوریه به دست آمده است، از آن، حاکی است که «قطب‌بندی و چندمرکزی بودن بحران سوریه، بین‌المللی شدن گستره نفوذ این بحران، تعارض مستمر و طولانی مدت، چنددستگی اقلیت‌های قومی، نظام سیاسی غیرقابل انعطاف و دخالت گسترده بازیگران دولتی خارجی» از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران سوریه هستند؛ در نتیجه، با وجود این عوامل پیچیده داخلی و بین‌المللی به نظر نمی‌رسد که شرایط مناسب برای پایان بحران سوریه در کوتاه‌مدت، فراهم باشد ولی در صورتی که طرف‌های مخاصمه به حل بحران، مایل باشند، می‌توانند با ایجاد ترتیب‌های امنیتی جدید در منطقه، میزان حضور و نفوذ خود را بازتعریف کرده، سازوکارهای (مکانیسم‌های) سیاسی مناسب را برای همزیستی مسالمت‌آمیز پیداکنند.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، مدل برچر، داعش، خاورمیانه.

۱. برگرفته از پایان نامه.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

۳. عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول: jamshidi@modares.ac.ir)

۴. استادیار، گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ، به دلیل موقعیت راهبردی و وجود منابع سرشار حیاتی، همواره تنش‌زا و بحران‌خیز بوده است؛ این منطقه به‌ویژه در دوران جدید با مداخله قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به یکی از پرتنش‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است؛ در نتیجه، بیشتر دولت‌های آن، با کشمکش و بحران، درگیر بوده، یا از بیم وقوع جنگ و توجه به اصل بازدارندگی، به دنبال انباشت فزاینده سلاح و مهمات هستند.

یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که امروز سرخط اصلی تمامی رسانه‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده، بحران سوریه است که به چالشی جهانی به‌خصوص برای کشورهای منطقه خاورمیانه و قدرت‌های غربی تبدیل شده است (Patel, 2015: 1-3)؛ همچنین، این بحران به آواره‌شدن بیش از هشت میلیون غیرنظامی منجر شده که به کشورهای ترکیه، عراق، اردن و لبنان و همچنین تعدادی از کشورهای اروپایی پناه برده‌اند.

در حال، بحران سوریه به‌مثابه پدیده‌ای نه فقط ملی و متعلق به سوریه که به‌مثابه بحرانی بین‌المللی، منطقه خاورمیانه را بیش از هر جای دیگر درگیر ساخته است لذا نمی‌توان به‌آسانی از کنار آن گذشت؛ این بحران در حال حاضر، کشورهای متعددی را درگیر کرده و جوانانی فراوان از سراسر جهان به‌ویژه کشورهای اروپایی و از جمله کشور آلمان، تحت تأثیر تبلیغ‌های شبکه‌های اجتماعی به‌صورت غیرقانونی، به سمت سوریه و عراق، راهی شده، به گروه‌های تکفیری می‌پیوندند و این رقم نیز هر روز، روبه‌رشد است (فیلیپس و آیسیکوویتس، ۱۳۹۶: ش ۱۳۱۹۰۳۰ در: <http://bit.ly/1Yj3Enp>).

تشکیل دولت اسلامی داعش، فصلی نوین را در خصوص تحریک‌های تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل گشوده است که به‌طور تقریبی، تمامی نگرش‌های عمده سیاسی جهان معاصر را هدف قرار داده است؛ در خصوص ایران نیز *ابومحمد العبدانی*، سخن‌گوی گروهک تروریستی داعش در تهدید ضد جمهوری اسلامی ایران بیان کرده است که داعش می‌تواند و می‌خواهد که ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند و ایران، بدترین دشمن داعش محسوب می‌شود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۳)؛ با توجه به این تفاسیر به‌نظر می‌رسد برای مقابله با این تهدید بین‌المللی، در ابعادی گسترده باید در درجه نخست با ریشه‌های شکل‌گیری و تشکیل این بحران و همچنین، تأثیرهای گروه‌های تکفیری بر آن آشنا شویم.

می‌توان شکل‌گیری بحران سوریه را به سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ هم‌زمان با آغاز قیام‌های مردمی در جوامع عربی معروف به بهار عربی و موج بیداری اسلامی در خاورمیانه نسبت‌داد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۸)؛ این بحران در شرایطی شکل‌گرفت که سوریه به‌عنوان یکی از نقاط اصلی مقاومت در منطقه، نقشی مهم در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برعهده‌داشت؛ در چنین شرایطی، کشورهای غربی، حمایتی همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی به‌عمل آورده، هم‌پیمانان منطقه‌ای این رژیم، مانند عربستان سعودی، برای حفظ موجودیت اسرائیل و بقا و استمرار خود در برابر خیل مخالفانی نظیر «جبهه مقاومت، حزب‌الله، جمهوری اسلامی ایران و لبنان»، راهبردهایی متعدد را درپیش گرفته‌اند؛ این دولت‌ها برای انزوای جمهوری اسلامی ایران، آسیب‌پذیرکردن و انزوای جبهه مقاومت در فضای سیاسی، جلوگیری از نزدیکی حماس و حزب‌الله با محوریت ایران و همچنین جلوگیری از ایجاد مدل مقاومت در کشورهای اسلامی، از هیچ‌تلاشی برای تغییر حکومت سوریه فروگذار نکردند چراکه پادشاهی سعودی بر این باور است که سوریه، مسیری برای ورود ایران به درون دنیای عرب است و ایران از طریق سوریه توانسته‌است در معادلات فلسطین، نقش ایفاکند؛ بنابراین، سوریه نه‌تنها در درگیری‌های خشونت‌آمیز با ارتش، بلکه در سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنان قربانی می‌شود (جانسیز و بهرامی، ۱۳۹۳: ۷۹).

در بررسی و شناخت هر بحرانی، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد نظر محققان، عوامل و بازیگران ایجادکننده، مؤثر یا گسترش‌دهنده بحران هستند؛ بر مبنای این، بحران سوریه نیز، تحت تأثیر عواملی متعدد شکل‌گرفته، گسترش و استمرار یافته‌است؛ بنابراین، برای شناخت و تبیین چنین بحرانی، ما به بررسی این عوامل و بازیگران نیازمندیم زیرا این عوامل نه‌تنها در ایجاد که در استمرار و بقای این بحران بین‌المللی نیز به‌طور اساسی نقش دارند.

به جرئت می‌توان گفت که بحران سوریه، امروز دیگر بحرانی منطقه‌ای و منحصر به محدوده منطقه خاورمیانه نیست؛ گسترش عملیات‌های تروریستی داعش به سرزمین‌ها و مناطق خارج از سوریه و عراق از یک سو و مداخله قدرت‌های بین‌المللی در بحران سوریه از سوی دیگر، به جهانی‌شدن این بحران و تبدیل شدن آن به سرفصل اخبار رسانه‌های سراسر جهان منجر شده‌است و این درحالی است که با توجه به اینکه هنوز مدت زمان زیادی از اوج‌گرفتن بحران در سوریه نگذشته‌است، جامعه علمی (آکادمیک) و دانشگاهی ایران، تاکنون چندان برای بررسی و تحریر بحران سوریه، کشف ریشه‌های این بحران، تحلیل نقاط ضعف و قدرت بازیگران و شناخت اهداف آشکار و پنهان آنان

فرصتی نیافته‌است. جهانی شدن بحران سوریه از یک سو و نقش فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در جهت حل این بحران از سوی دیگر، اهمیت پرداختن به عوامل آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ بر همین اساس به نظر می‌رسد که تحریر این پژوهش می‌تواند گامی در راستای شناخت بهتر این بحران باشد.

مهم‌ترین اهداف این پژوهش که در قالب مقاله علمی - پژوهشی تحریر می‌شود، به شرح زیر است:

۱. ایجاد تصویری روشن از بحران سوریه و شرایط کنونی این بحران؛
۲. شناخت ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و تروریستی در بحران؛
۳. عوامل شکل‌گیری و گسترش بحران سوریه و تأثیر گروه‌های بحران‌زا؛
۴. شناخت بهتر بازیگران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حاضر در این بحران و آشنایی با اهداف هر یک از آنها.

مسئله ما در این نوشتار، در اصل شناخت عوامل و بازیگران مؤثر در بحران سوریه است؛ در این خصوص، پرسش اصلی ما این است که «عوامل و بازیگران اصلی مؤثر در ایجاد و گسترش بحران سوریه کدام‌اند؟» در پاسخ، فرضیه پژوهش، این است که بر اساس مدل برچر، قطب‌بندی و اختلاف قومی - مذهبی سوریه، گسترش حوزه نفوذ بحران، تعارض مستمر و طولانی مدت، چنددستگی اقلیت‌های قومی، نظام سیاسی غیر قابل انعطاف و دخالت بازیگران دولتی خارجی منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده، تشدیدکننده و استمراربخش بحران سوریه بوده‌اند؛ همچنین کشورهای آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی، مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که هر یک با توجه به راهبردها و اهداف سیاسی خود برای براندازی دولت بشار / اسد تلاش می‌کنند.

رویکرد این پژوهش، تحلیلی - تبیینی است و روش آن، مطالعه موردی (بحران سوریه) با تکیه بر مدل پژوهشی خاصی (مدل یا الگوی مایکل برچر) است. داده‌های مورد نظر با شیوه کتابخانه - ای گردآوری و بررسی و تحلیل شده‌اند. در جهت تأیید فرضیه، پس از چارچوب نظری، ابتدا به تبیین مفهومی بحث، سپس عوامل شکل‌گیری و گسترش و در نهایت، نقش قدرت‌های خارجی توجه می‌شود.

الف - چارچوب نظری پژوهش

به طور کلی برای شناسایی عوامل ایجاد و استمرار یک بحران بین‌المللی، باید از شاخص‌هایی

مانند تهدید ارزش‌های بنیادی، انجام اقدام‌های قاطعانه و نمایش خصومت به صورت آشکار استفاده کرد. بحران در واقع، واژه‌ای سیاسی است که از هم‌گسیختگی و بی‌نظمی شرایط را در منطقه‌ای جغرافیایی نشان می‌دهد (برچر، ۱۳۸۲: ۲۴). با توجه به اینکه بحران سوریه در حال حاضر، بحرانی در حال گذار بوده، به بررسی گام‌به‌گام بر مبنای عوامل شکل‌گیری و استمرار نیاز دارد، یکی از بهترین مدل‌های بررسی این بحران، مدل مایکل برچر است. در مدل جامع مدیریت بحران، برچر در پاسخ به نارسایی‌های مفهومی بحران، در پی [ارائه] تعریفی جدید از بحران برآمد و برای این کار، ۳۲۳ بحران بین‌المللی را بررسی کرد؛ وی در مجموع به این نتیجه رسید که می‌توان یک بحران را هم بر اساس «بازیگر» و هم بر حسب «نظام» بررسی کرد (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

۱- مدل پژوهشی مایکل برچر

بر اساس نظریه بحران مایکل برچر، هر بحرانی چهار مرحله را طی می‌کند:

۱- پیدایش (برچر، ۱۳۸۲: ۵۷): در این مرحله، بحران شکل می‌گیرد.

۲- گسترش (اوج بحران): مرحله گسترش بحران، در واقع مرحله‌ای است که وخامت اوضاع به بالاترین حد رسیده، نهایت فشار روانی ایجاد می‌شود؛ در این مرحله شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا خواهد بود که به صورت حرکت از برخوردهای کم‌اهمیت به سوی برخوردهای جدی یا جنگ میان متخصصان انجام خواهد گرفت (برچر، ۱۳۸۲: ۵۷).

۳- کاهش: این مرحله، زمانی شکل می‌گیرد که پیامدهای بحران برای متخصصان یا سایر بازیگران شناخته شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی مانند از میان رفتن تهدید، فشار زمان و احتمال جنگ عملیاتی، درک شده و این باور را برای طرف‌های درگیر در جنگ ایجاد می‌کند که در صورت ایجاد توافق برای پایان جنگ و بحران، طرف‌های متخاصم، وضعیت بهتری پیدا خواهند کرد (برچر، ۱۳۸۲: ۵۹).

۴- تأثیر (پس از بحران): منظور از تأثیر بحران، عواقب بعدی بحران و آثاری است که طرف‌های درگیر در جریان بحران برجای گذاشته‌اند (خلیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰).

اما آنچه در بحران بیشتر اهمیت دارد، «علل، عوامل و بازیگران اصلی مؤثر در ایجاد و گسترش آن» است که برچر به آن توجه کرده است؛ بر اساس این، برای شناخت صحیح بحران و مراحل وقوع آن باید عوامل و زمینه‌های تشدیدکننده و استمراربخش بحران بررسی شوند تا درکی همه‌جانبه از

وضعیت بحرانی موجود، حاصل شود (برچر، ۱۳۸۲: ۶۲).

مایکل برچر با ربط‌دادن میان عوامل بحران و مراحل وقوع آن، بر این باور است که عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده یک بحران، وقوع مراحل پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیر بحران را محتمل ترمی‌کنند؛ این کار در واقع، به‌وسیله تأثیرگذاری بر درک تصمیم‌گیرندگان و کنش‌شکننده نیروهای متقابل، ممکن می‌شود؛ از نظر برچر، چنین عواملی عبارت‌اند از: قطب‌بندی، سطح نظام بین‌الملل، وضعیت منازعه، جغرافیا، نظام سیاسی و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (خلیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۱).

از ضعف‌های مدل نیز، این است که نتوانسته میان عوامل داخلی و خارجی در بروز یک بحران، ارتباطی مناسب برقرار کند و برای بحران‌هایی که هنوز به مرحله پایانی نرسیده‌اند، نظام (سیستم) تحلیلی دقیقی برای پیش‌بینی آینده بحران طراحی نکرده‌است؛ با این حال با توجه به مواردی که مایکل برچر مطرح کرده، به‌ویژه تأکید بر عوامل و بازیگران بحران و با مطالعه مقایسه‌ای از مدل‌های بحران‌های بین‌المللی به‌نظر می‌رسد، با قراردادن رویدادهای بحران سوریه در ظرف مدل مایکل برچر بتوانیم به درکی مطلوب از ریشه، عوامل بروز، گسترش، چگونگی و چرایی وضعیت کنونی یعنی تداوم و استمرار بحران سوریه به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های بین‌المللی برسیم؛ از این‌رو، مدل برچر برای شناخت ریشه‌ها و عوامل بحران، مدلی مناسب قلمداد می‌شود.

ب- تبیین مفهومی

۱- چیستی بحران

بحران به‌صورت کلی به تغییر حالت ناگهانی در شرایط عادی گفته می‌شود؛ فرهنگ عمید، بحران را «آشفستگی و تغییر حالت ناگهانی و تغییر حالت در اوضاع و احوال مملکت» معرفی کرده‌است (عمید، ۱۳۸۳: ۲۴۶)؛ لغت‌نامه دهخدا نیز بحران را «چیره‌شدن یک خصم بر خصم دیگر» می‌داند. در تعریف بحران سیاسی در لغت‌نامه دهخدا آمده‌است: حالتی که در نتیجه آن، توازن نظام اجتماعی، دگرگون شود و دولت‌ها و نظام‌های اجتماعی ناچار به سقوط یا ترمیم و تعویض شوند» (دهخدا، ۱۳۴۵: ۴۳۹۰).

در فرهنگ‌نامه علوم سیاسی در تعریف بحران آمده‌است: «وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در

چارچوب آن، تغییر قطعی -بهتر یا بدتر- در شرف وقوع است؛ به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکت یک سیستم یا نظام. لحظه حساس در بحران، لحظه‌ای است که بحران به اوج خود می‌رسد و سرنوشت‌ساز است» (آقابخشی و افشاری راد: ۱۳۸۳: ۱۵۱). بحران‌ها نمودی از برخورد بین‌المللی عقاید و ارزش‌های عام هستند و از برخورد منافع متعارض مبتنی بر قدرت و افزایش کنش‌های متقابل و انباشته‌شدن تحریک‌ها یا دروندادها و بروندادهای غیرمنتظره ناشی می‌شوند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

چارلز مک‌کلند در تعریف بحران‌های بین‌المللی می‌گوید: «بحران‌های بین‌المللی، رویدادهای مهم و اغلب، نقاط عطف تاریخ هستند. بحران‌ها نمودی از برخورد بین‌المللی عقاید و ارزش‌های عام هستند. بحران به نقطه زمانی مربوط می‌شود که مشخص می‌شود آیا یک رویداد یا جریان عمل ادامه خواهد یافت یا باید اصلاح شود یا پایان یابد» (McClelland, 1977: 24-25) بنابراین، بحران در نظام بین‌المللی را می‌توان وضعی دانست که طی آن، فرایند تغییر در نظام به شکلی درمی‌آید که استواری و تعادل نظام بین‌المللی را به شدت با نتیجه‌ای نامطمئن به خطر می‌اندازد و ضرورت اقدام هرچه سریع‌تر برای اعاده آن یا برقراری نظم مجدد احساس می‌شود (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

۲- ویژگی‌های بحران

در صورتی که عناصر اولیه شکل‌گیری بحران در صحنه بین‌المللی، پدیدار شود، می‌توان وضعیت را با توجه به ویژگی‌های مطرح‌شده در تعاریف، مانند «آشفستگی، تحول ناگهانی، تغییر اوضاع در احوال مملکت و دگرگونی در توازن اجتماعی» وضعیت بحرانی خواند بر مبنای این، ویژگی‌های اصلی بحران بین‌المللی به اختصار عبارت‌اند از:

۲-۱- فشار زمانی: یکی از ویژگی‌های مهم بحران‌های بین‌المللی، فشار زمانی است. فشار زمانی عبارت است از: نسبت زمان لازم برای اتخاذ تصمیم خاص، به زمانی که برای اتخاذ همان تصمیم در شرایط ویژه وجود دارد؛ در این شرایط، عواملی مانند آخرین زمان تصمیم‌گیری، عدم اطمینان از خود، متحدان و دشمنان و دامنه اطلاعاتی که باید گردآوری شود، بر میزان این فشار تأثیر می‌گذارد (Brecher, 1977: 448-449).

۲-۲- غافلگیری و ظهور ناگهانی وضع جدید: توالی غیرعادی بروندادها و دروندادهای جدید،

افزایش شدت کنش و حجم آنها بیشتر از حدی خاص، وقوع سریع مجموعه‌ای از حوادث، افزایش

شدت کنش متقابل و از حالت طبیعی خارج شدن کنش متقابل، همگی از ویژگی‌های غافلگیرکننده بحران هستند (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

۲-۳- عامل تهدید: از ویژگی‌های مهم بحران به‌خطرافتادن هدف‌های مهم، ارزش‌های پایه‌ای و تهدید زیاد است. شدت تهدید به ارزش چیزی بستگی دارد که تهدید می‌شود که آن نیز به‌نوبه‌خود به تصور و اعتقاد تصمیم‌گیرندگان بستگی دارد؛ این تهدید می‌تواند نسبت به موجودیت و به شکل تهدید بقای جمعیت، نسل‌کشی، نفی بلد، به‌بندگی کشیدن، جذب اجباری، ضمیمه‌سازی، حکومت استعماری یا تحت‌الحمایگی، پایگاه‌های خارجی و اشغال باشد (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

۲-۴- ضرورت اتخاذ تصمیم: در نظام بین‌المللی، دولت‌ها این ضرورت را احساس می‌کنند که استقرار، تعادل و استواری باید با کسب منافع حداکثری و تحمل زیاد در شرایط موجود همراه باشد و به همین دلیل است که توالی سریع دروندادها و بروندادها در نظام مشاهده می‌شود و حوادث سرعت می‌گیرند.

۲-۵- احتمال وقوع جنگ: در جریان یک بحران بین‌المللی، زمانی که شدت تهدید، بالا باشد، احتمال بروز جنگ قدرت می‌گیرد؛ در این میان، میزان قدرت طرف‌های درگیر نسبت به یکدیگر نیز در شکل‌گیری جنگ اهمیت دارد البته نباید فراموش کرد که تصور تصمیم‌گیرندگان از مجموعه شرایط و اوضاع و از جمله شدت تهدید با نسبت قدرت‌های طرف‌های درگیر، به همان اندازه می‌تواند در تقویت احتمال بروز جنگ و خشونت نقش داشته باشد که در تقویت احتمال روی آوردن به توافق و سازش نقش دارد (مستقیمی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

۲-۶- دگرگونی در محیط: دگرگونی در محیط، اغلب به شکل چالش‌هایی با رژیم حاکم بروزمی‌کند که از آن جمله می‌توان به اعتصاب، تظاهرات، اغتشاش، خرابکاری، به‌قتل‌رساندن و تلاش برای کودتا اشاره کرد (Brecher, 1979: 449).

۲-۷- درک تصمیم‌گیرندگان: در مواردی نیز درک تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران از اوضاع و احوال، در شکل‌گیری بحران تأثیر دارد. بی‌تردید در جریان یک بحران بین‌المللی، بخشی از احساس نیاز به تصمیم‌گیری برای کنترل اوضاع، تأثیر گرفته از تصور تصمیم‌گیرندگان و نحوه درک آنان از

کیفیت فرایند تغییر در نظام، به مخاطره افتادن استواری و تعادل نظام و نتیجه این به مخاطره افتادن است (Zinnes, 1972: 245).

مطالعه‌ای که تعدادی از متخصصان معتقد به این ویژگی‌ها در خصوص ۲۷۸ بحران بین‌المللی مربوط به سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۷۹ انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که در ۷۱ مورد (۲۵,۵ درصد) خشونت رخ نداده است؛ در ۶۶ مورد (۲۳,۸ درصد) برخوردها جزئی بوده؛ در ۷۰ مورد (۲۵,۲ درصد) برخورد جدی وجود داشته و در ۷۱ مورد (۲۵,۲ درصد) به جنگ تمام‌عیار منجر شده است (Brecher, 1977: 123).

با توجه به این ویژگی‌ها درمی‌یابیم که بحران سوریه، نوعی بحران بین‌المللی است زیرا علاوه بر ویژگی‌هایی که در بالا مطرح شد، هم از رویدادهای مهم و از نقاط عطف تاریخ معاصر بوده، نمودی از برخورد بین‌المللی عقاید و ارزش‌های عام قلمداد می‌شود و هم دارای تأثیر و تأثرهای گسترده و فراگیر است که این تأثیر و تأثرها در دو بعد قابل توجه‌اند: یکی اینکه عوامل بین‌المللی - خارج از منطقه - مانند آمریکا و سازمان ملل در آن، نقش و تأثیر دارند و دوم اینکه بحران بر نظام بین‌الملل و سیاست‌های جهانی و فرامنطقه‌ای تأثیر می‌گذارد؛ با توجه به این دو مسئله، بحران سوریه، نه نوعی بحران منطقه‌ای که بین‌المللی است.

بنابراین، بحران سوریه مانند بسیاری از بحران‌های دیگر، بحرانی کلاسیک (کهن) با حضور دو قدرت درگیر نیست؛ در این بحران، چندین نیروی جهادی متعارض و قدرت طلب داخلی وجود دارند که دست‌کم از یک دهه پیش از آغاز شروع بحران در سوریه هر یک به گونه‌ای برای افزایش قدرت خود در سوریه تلاش می‌کرده‌اند؛ درگیری این گروه‌های تکفیری متخاصم در سوریه به بحران فاجعه‌آمیز چندین میلیون آواره سوری و مرگ ۲۶۰ هزار نفر انجامید (خبر آنلاین: دی ماه ۱۳۹۴).

ج- شکل‌گیری بحران سوریه

۱- عوامل

درخصوص عوامل داخلی و اولیه شکل‌گیری بحران، علاوه بر عواملی مانند موقعیت راهبردی و وجود نظام سیاسی اقتدارگرای سوریه، می‌توان به عواملی دیگر نظیر مشکلات اقتصادی، شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی در این کشور، رشد اسلام‌گرایی افراطی و مداخله خارجی اشاره کرد

(صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)؛ در این زمینه، برخی از تحلیل‌گران معتقدند رشد گروه‌های اسلام‌گرای افراطی، معلول عدم رضایت مسلمانان از سیطره و تهاجم غرب بر جهان اسلام و بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی است که چنین موقعیتی در کشور سوریه به صورت ظهور گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال و خواهان سرکوب حکومت بشار/اسد نمود یافته است.

البته در سوریه، عوامل پیش‌زمینه‌ای زیادی از جمله مسائل روحی - روانی در کنار مشکلات اقتصادی برای ایجاد بحران وجود داشته است. در جریان شکل‌گیری این بحران، عواملی نظیر تنفر مردم از آمریکا به دلیل حمایت از اسرائیل، حادثه ۱۱ سپتامبر در تاریخ ۲۰۰۱، حمله آمریکا به کشورهای خاورمیانه و مقاومت اسلام‌گرایان رادیکال در مقابل این حوادث، محبوب‌شدن اسلام‌گرایی افراطی را نزد پاره‌ای از آحاد و اقلشار جامعه سوریه، موجب شد (آچرلو، ۱۳۹۱: ۶۱)؛ از دیگر عوامل شکل‌گیری چنین بحرانی می‌توان به مشکلات اقتصادی سوریه اشاره کرد؛ سوریه از لحاظ اقتصادی در رده کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود؛ البته سازمان ملل در راستای بهبود اوضاع اقتصادی سوریه، اصلاحاتی را انجام داده است؛ بشار/اسد نیز در اوایل زمامداری خود برای حل مشکلات معیشتی و رفاهی مردم، بسیار وعده داد؛ ولی این وعده‌ها با توجه به مشکلات عمیق ساختاری در این کشور، محقق نشدند و هر روز، شکاف طبقاتی و آمار بیکاری میان مردم سوریه تشدید شد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

به علاوه باید دانست که سوریه در سیاست خارجی، به طور معمول، دارای استقلال رأی بوده، از محور مقاومت حمایت کرده است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ این در شرایطی است که آمریکا در راستای حفظ امنیت اسرائیل، خواهان سوریه‌ای ضعیف و کم‌قدرت بوده است؛ بنابراین به محض بروز مشکلات درونی در سوریه، کشورهایی نظیر آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی سعی کردند، معارضان دولت سوریه را حمایت و تحریک کنند.

درواقع، عامل مهم دیگر، معارضان حکومت سوریه هستند. معارضان اصلی در داخل سوریه عبارت‌اند از:

۱- **جبهه النصره**: جبهه النصره مورد حمایت عربستان و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بوده، هسته‌هایی مختلف را برای مبارزه در سوریه ایجاد کرده است. اولین حضور النصره در بحران سوریه به اوایل سال ۲۰۱۲ برمی‌گردد و از آن زمان تاکنون، این گروه به یکی از

سازمان یافته‌ترین و مجهزترین گروه‌های شورشگر ضد رژیم بشار اسد تبدیل شده است (نصر، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

۱-۲- جبهه اسلامی سوریه: این جبهه از گروه‌های سلفی فعال است که در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳ از ترکیب گروه‌های نظامی و رهبران سلفی از جمله گروه لواء التوحید، احرار الشام، لواء الصقور الشام، لواء الحق، انصار الشام و جیش الاسلام و گروه کردی جبهه الاسلامیه الکردیه در سوریه تشکیل شده است (برگرفته از وبگاه بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴ مرداد ۱۳۹۳).

۱-۳- دولت اسلامی شام و عراق یا داعش: مهم‌ترین گروه تکفیری بحران سوریه محسوب می‌شود. ریشه داعش به گروه تروریستی «القاعده عراق» بازمی‌گردد که از لحاظ فکری برگرفته از اندیشه‌های افراطی ابو مصعب الزرقاوی بود (NBC News, 2014). در سال ۲۰۱۰/بویکر البغدادی به‌عنوان رهبر جدید این گروه، ظاهر شد. البغدادی که اصالتش عراقی است با کشته شدن المصری به‌دست نیروهای آمریکایی و عراقی به‌عنوان رهبر گروه انتخاب شد و در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ به‌صورت رسمی موجودیت داعش عراق را همراه با شعار و پرچم این گروه معرفی کرد (Long War Journal: 2013).

۲- گسترش

۲-۱- داعش و گسترش بحران: در واقع گسترش بحران سوریه، با پیدایی داعش، بی‌ارتباط نیست؛ زمانی که در آوریل سال ۲۰۱۳، بویکر البغدادی، شکل‌گیری «حکومت اسلامی شام و عراق» را به‌طور رسمی اعلام کرد (ویس و حسن، ۲۰۱۵: ۱۳)؛ همچنین، شرایط در سوریه زمانی وخیم‌تر شد که گروه‌های رادیکال اسلامی مانند طالبان پاکستان، جندالخلافة در الجزایر، انصار بیت المقدس در مصر، بخش‌هایی از گروه امارت اسلامی در قفقاز و... بیعت خود را با دولت اسلامی البغدادی اعلام کردند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ این گروه پس از چاپ سکه، ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و ثبت هویت، «تهدید» کشورهای جهان را آغاز کرد و ابو محمد غلنانی، سخن‌گوی داعش در تهدید ضد جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که داعش قصد دارد ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند و ایران، بدترین دشمن داعش است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ آنها همچنین با توجه به تلاش برای تکمیل مثلث بحران، به اقدام‌های غافلگیرکننده تروریستی در سراسر جهان دست می‌زنند تا با این هدف، وحشت

جهانی را برای افزایش قدرت خود در سراسر دنیا حکم فرماکنند؛ در این راستا حملات تروریستی پاریس و بلژیک نیز پس از تهدیدهای داعش برای به خاک و خون کشیدن ممالک صلیبونی به وقوع پیوست؛ در پی این حملات، ۱۵۳ کشته و ۲۰۰ زخمی در جریان حمله انتحاری در نزدیکی «ورزشگاه استاد دو فرانس» در آبان ماه ۱۳۹۴ و ۳۰ کشته و ۱۳۶ زخمی در جریان حمله تروریستی به فرودگاه بروکسل بلژیک فروردین ماه ۱۳۹۵ برجای ماندند (خبرگزاری فارس: ۱۳۹۵).

مقام‌های داعشی در مجله داخلی خود با نام دبیق بر اهمیت عنصر «زمان» برای تسخیر ممالک مدنظر خود تأکید کرده‌اند؛ این گروه، براندازی دولت بشار/اسد را بخشی کوچک از برنامه خود دانسته، با برنامه‌ریزی مخفیانه، برای به خاک و خون کشیدن کشورهای اروپایی و ایران و همچنین، تصرف کامل سوریه و عراق در حال تلاش است.

به فاصله پنج سال از جرقه‌های اولیه بحران سوریه، در مرحله کنونی، «تهدید» گروه‌های تکفیری به خصوص داعش و انجام عملیات‌های متناوب تروریستی که با تلاش برای به نتیجه رساندن در کوتاه‌ترین «زمان» در قالب عملیات‌های «غافلگیرانه» انتحاری انجام می‌شود، به حداکثر رسیده و بر میزان نگرانی‌های بین‌المللی برای مقابله با بحران، افزوده است.

۲-۲- کردهای سوریه: جمعیت کردهای سوریه، میان ۸,۵ تا ۱۰ درصد از جمعیت کشور سوریه یا ۱,۵ تا دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود و مناطق سکونت آنها در چند منطقه از جمله کردداغ، کوبانی، حسکه و دمشق تقسیم می‌شود. کردداغ یکی از متراکم‌ترین مناطق کردنشین در سوریه است که بیشترین جمعیت آن را کردها تشکیل می‌دهند (Cherif Vanly, 1992: 148). کردها دارای نیروی کافی نیز هستند که در جریان بحران سوریه تأثیرگذارند.

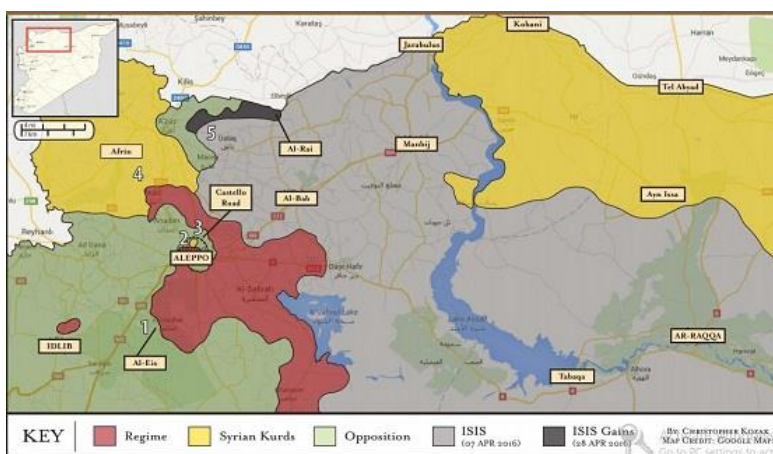
با توجه به اینکه در سوریه، مناطق کردنشین به‌تنهایی ۴۵ درصد کل تولید محصول‌های کشاورزی این کشور را برعهده دارند، از اهمیتی بالا بهره‌مندند. زندگی اجتماعی کردها در سوریه به کارت شناسایی بستگی دارد و تعداد زیادی از کردها شناسنامه ندارند و به همین دلیل در امور زندگی اجتماعی در سوریه با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ عدم حمایت دولت در هویت‌بخشی به این قشر، سبب شد تا کردها به تدریج از هویت سوری خود جدا شده، به دنبال تشکیل دولت کردستان باشند.

از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در حضور کردها در بحران سوریه می‌توان به «ایدئولوژی احزاب کردی کردستان عراق از جمله حزب پارتی، ایدئولوژی حزب کارگران کردستان ترکیه، رؤیای

تشکیل یک حکومت کرد و مبارزه مسلحانه در این زمینه به عنوان راهی برای دستیابی به آرمان حکومت کردستان» اشاره کرد؛ از سوی دیگر، متغیرهای مادی مؤثر بر این تصمیم‌گیری‌ها عبارت‌اند از: بحران سوریه، شرایط اقتصادی- اجتماعی کردهای سوریه، کنش گران خارجی و همچنین موقعیت جغرافیایی در این منطقه (دولت‌آبادی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

شایان اشاره است که احزاب کرد سوریه در صدد دستیابی به آرمان خودمختاری مشترک هستند ولی تحولات سوریه، به چنددستگی میان گروه‌های طرفدار و مخالف بشار/اسد منجر شده است؛ بخشی از این احزاب تلاش می‌کنند تا از رویارویی با بشار/اسد بپرهیزند چراکه معتقدند وی همچنان رئیس‌جمهور باقی خواهد ماند اما گروه دیگر معتقدند، بشار/اسد هیچ‌گامی در راستای حمایت از کردها برنداشته است و بحران سوریه، فرصتی برای رهایی از اوست (دولت‌آبادی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۷). به نظر می‌رسد با سربر آوردن داعش در سوریه، آینده کردهای این منطقه در هاله‌ای از ابهام فرورفته باشد. تسلط اولیه داعش بر کوبانی و عدم حمایت کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی، این مسئله را بیان می‌کند که تلاش کردنشین‌ها برای خودمختاری در حال حاضر، انتظاری خوش‌بینانه محسوب می‌شود چراکه علاوه بر عدم پذیرش کردها از سوی دیگر کشورها، حتی میان رهبران احزاب کرد نیز اختلاف نظر وجود دارد که به تدریج، به کاهش قدرت بیشتری از آنها منجر خواهد شد.

شکل ۱: وضعیت گسترش بحران سوریه



(منبع: Kozak, 2016)

به‌طورکلی، روند گسترش بحران سوریه نشان‌می‌دهد که این بحران تا زمان خاموش‌نشدن شعله‌های درگیری داعش در سوریه و عراق کم‌رنگ نخواهدشد و از گسترش بازنخواهدماند. نقشه بالا، آخرین وضعیت، گسترش بحران سوریه را نشان‌می‌دهد:

این نقشه که مؤسسه مطالعات جنگ آمریکا، آن را منتشر کرده‌است، به وضعیت گسترش بحران در سوریه پرداخته، با بررسی شهر حلب که درحال‌حاضر، مرکز درگیری‌های سوریه و گروه‌های تکفیری محسوب‌می‌شود، پیش‌بینی‌می‌کند که سوریه با همکاری ایران و روسیه، مناطق مدنظر خود از جمله حلب را به‌صورت دایم پس‌خواهدگرفت؛ در این نقشه، نقاط قرمز در خدمت دولت بوده، نقاط زرد در اختیار کردهای سوری قراردارند؛ گروه‌های اپوزیسیون در منطقه سبز مستقر بوده، بخش‌های قرمز نیز در تصرف داعش است. در صورتی که دولت سوریه بتواند مناطق اطراف را با حمایت متحدانش بازپس‌گیرد، اهداف راهبردی (استراتژیک) آمریکا در خاورمیانه به‌صورت جدی به‌خطر می‌افتد.

د- عوامل تشدیدکننده و استمرار بخش بحران سوریه

مایکل برچر معتقد است که عوامل تشدیدکننده و استمراربخش یک بحران عبارت‌اند از: قطب‌بندی، سطح نظام بین‌الملل، وضعیت منازعه، جغرافیا، نظام سیاسی و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ این عوامل، در واقع به‌وسیله تأثیرگذاری بر درک تصمیم‌گیرندگان و کنش‌شکننده نیروهای متقابل، آتش بحران را برافروخته‌تر می‌کنند.

۱- قطب‌بندی

مفهوم قطب‌بندی به معنای قطب‌بندی مراکز قدرت و همچنین تصمیم‌گیری در نظام بین‌الملل است؛ این قطب‌بندی گاه به صورت دو قطبی و گاه به صورت چند قطبی است. در نظام دو قطبی این مفهوم، نشان‌دهنده تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری توسط دو بازیگر به‌نسبت هم‌سطح است که ممکن است واحدهایی مجزا یا ائتلافی قوی از دولت باشند؛ این دو مرکز قطبی در مواردی مانند تعیین شرایط ثبات، ایجاد محدودیت در رفتارهای مستقل از جانب اعضای بلوک‌های قدرت یا بازیگران غیروابسته در بلوک‌ها و همین‌طور در نتایج جنگ‌های اصلی در نظام بین‌المللی نقشی مهم برعهده‌دارند (خلیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۲).

مفهوم دیگر چندقطبی که در این پژوهش معنای یابد نیز به معنای پراکندگی تصمیم‌گیری سیاسی و همچنین قدرت نظامی در میان چند واحد سیاسی به نسبت برابر است اما اصطلاح چندمرکزی، معرف یک ساختار با دو مرکز برتر قدرت نظامی و مراکز چندگانه تصمیم‌گیری سیاسی است؛ این نظام که نمونه چندمرکزی بودن آن را به خوبی می‌توان در سوریه مشاهده کرد، به‌طور معمول بی‌ثبات‌تر است چراکه هزینه‌های امنیتی بیشتری دارد؛ این هزینه‌ها «هزینه‌های تصمیم‌گیری (زمان صرف‌شده برای توافق) و اجرا (اجرای یک رژیم امنیتی)» را شامل می‌شوند (ویلکنفلد، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

با توجه به موارد مطرح‌شده، بحران آوارگان سوریه در رده قطب‌بندی نظام‌های چندمرکزی بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ در این زمینه، برچر، چهار منبع برای بی‌ثباتی در نظام چندمرکزی پیش‌بینی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. تردید درباره رفتار اجتماعی در روابط آینده میان دولت‌ها؛
۲. اشتباه محاسبه در خصوص اتحادها؛
۳. تلاش دولت‌های قوی برای به‌سلطه‌دراوردن کشورهای ضعیف به‌ویژه از سوی رهبران؛
۴. کوشش مستمر بازیگران ضعیف برای اتحاد یا ایجاد روابط تحت‌الحمایگی با کشورهای قوی‌تر (برچر و ویلکنفلد، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

در سوریه، عواملی بیرونی و بین‌المللی مانند دخالت‌های سیاسی آمریکا برای تضعیف جبهه مقاومت به نفع رژیم صهیونیستی، حضور عربستان برای جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران، تلاش ترکیه برای گسترش نفوذ در خاورمیانه، در کنار عوامل داخلی مانند وضعیت نامناسب اقتصادی کشور، حضور نیروهای تکفیری و سلفی مانند جبهه النصره، دولت اسلامی شام و عراق (داعش)، جبهه اسلامی سوریه و تعارض‌های طولانی این جبهه‌ها با یکدیگر از جمله مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی سوریه محسوب می‌شوند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۸).

۲- نظام بین‌الملل

هر بحران بین‌المللی؛ به‌طور معمول در ابتدا درون یکی از چند زیرنظام منطقه‌ای که با هم یک نظام جهانی را تشکیل می‌دهند، اتفاق می‌افتد؛ در این شرایط، گاهی بحران به سطح نظام بین‌المللی رسوخ می‌کند و از سطح نظام ملی و منطقه‌ای فراتر می‌رود؛ در چنین شرایطی، یک یا چند قدرت عمده، بازیگران یک بحران بین‌المللی هستند.

بحران سوریه، بحرانی است که بی‌تردید، علاوه بر تأثیر بازیگران معارض داخلی، بازیگران بین‌المللی نیز به‌گونه‌ای بر روند درگیری‌ها تأثیرگذارند؛ از جمله این بازیگران می‌توان به عربستان، ایالات متحده آمریکا، ایران، ترکیه، روسیه، اسرائیل، اردن، قطر و حزب‌الله لبنان اشاره کرد. در این جریان، تلاش ایالات متحده برای تضعیف مقاومت و حمایت از اسرائیل، تلاش عربستان برای کاهش قدرت ایران و تلاش روسیه و ترکیه برای نفوذ بیشتر در منطقه، همگی عواملی هستند که این دولت‌ها را در بحران دخیل کرده، همگی تلاش می‌کنند تا کمترین تأثیر را پذیرفته، بیشترین تأثیر را از خود برجای بگذارند.

۳- وضعیت منازعه

ویژگی بحران سوریه طولانی‌بودن آن است. تعارض طولانی از رفتارهای خصمانه طرف‌های درگیری، ناشی می‌شود که برای مدت‌های زیادی ادامه یافته، با وقوع جنگ‌های پراکنده و علنی همراه است. تعارض‌ها و جنگ‌های گروه‌های متخاصم با نیروهای دولتی، عامل اصلی ایجاد بحران سوریه بوده است؛ به‌طور معمول، این نوع تعارض‌ها بسیار خطرناک‌ترند چراکه در بلندمدت، همبستگی اجتماعی و هویت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با وجود اینکه ممکن است در جریان این تعارض‌ها، ایجاد توقف‌هایی را شاهد باشیم و خشونت آشکار، متوقف شود، درگیری‌ها در طولانی‌مدت ادامه داشته، مشخص نیست این درگیری‌ها در چه زمانی به پایان می‌رسند؛ این فرایندها اغلب، فرایندهایی تداوم‌یابنده و مستمرند (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

بیش از پنج سال از بحران سوریه گذشته و هر روز به این بحران دامن‌زده می‌شود و کشورهای بیشتری تحت تأثیر عملیات تروریستی این گروه قرار می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد رویکرد مقابله با داعش باید رویکردی مستمر و بلندمدت باشد؛ در این خصوص، ژنرال ژوزف ووتول، فرمانده عملیات ویژه ارتش آمریکا با پیش‌بینی بلندمدت‌بودن بحران داعش و سوریه می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که برای مقابله با داعش، تنها یک راه‌برد وجود داشته‌باشد که ما از آن استفاده کنیم و بتوانیم خیلی سریع آن را تغییر دهیم. به نظر من، مقابله با داعش، به یک رویکرد بلندمدت نیاز دارد و این فرایند، ممکن است پنجاه سال به طول انجامد» (خبرگزاری تسنیم: ۱۳۹۴).

۴- جغرافیا

جغرافیا در یک بحران، موقعیت منطقه‌ای و همچنین فاصله یک بحران از قلمروی کشورهای

درگیر را شامل می‌شود. به‌طور معمول در جریان یک بحران، رفتار دولت‌ها با توجه به میزان فاصله جغرافیایی آنها با بحران، متفاوت خواهد بود؛ هرچه یک کشور به بحران نزدیک‌تر باشد، احتمال بروز خشونت، بیشتر است (بوزان، ۱۳۸۶: ۹۹). اینکه بحران در کدام قاره اتفاق می‌افتد بسیار مهم است، گاهی زمینه‌های بروز بحران در مناطقی ایجاد می‌شود که تحت تأثیر عملیات قدرت‌های ژئواستراتژیکی بزرگ (منطقه) هستند؛ علاوه بر این، اقلیت‌های قومی فعال در محدوده مرزهای سیاسی سوریه، اغلب با ظرفیت‌های سیاسی به برخورد و درگیری روی می‌آورند.

می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع بحران سوریه، چنددستگی و اقلیت‌های قومی هم‌جوار است. تنوع ادیان و فرهنگ‌ها در سوریه، بسیار پرشمار است و بزرگ‌ترین اقلیت‌ها و قومیت‌ها در این کشور عبارت‌اند از: کردها، علوی‌ها، ترکمان‌ها، مسیحیان، دروزی‌ها، شیعیان اسماعیلی و اثنی‌عشری که با اکثریت ۶۴ درصد اعراب سنی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ گروهی از این قومیت‌ها مناطق مختص به خود را در اختیار داشته، گروهی دیگر به‌طور پراکنده در سوریه حضور دارند (همشهری آنلاین: ۱۳۹۲).

با ورود داعش به صحنه درگیری، وضعیت برای اقلیت‌های دینی از جمله دروزی‌ها، مسیحیان و علویان به شدت روبه‌وخامت گذاشت. علوی‌های سوریه که تا پیش از این به جرم حمایت از *بشار اسد*، مغضوب گروه‌های مسلح بودند، این بار با تکفیر شدن در معرض خشونت گروه‌های سلفی قرار گرفتند؛ وضعیت مسیحیان نیز به همین ترتیب است؛ با این تفاوت که به دلیل پراکندگی، تعداد بیشتری از آنها در مناطق تحت تسلط گروه‌های مسلح و تکفیری قرار داشتند؛ در این میان، تنها منطقه جبل‌السماق در جنوب غرب استان ادلب بود که با توافق ولید جنب‌بلاط از رهبران دروزی لبنان با عربستان، از آسیب گروه‌های مسلح به فرماندهی ائتلاف چیش‌الفتح در امان ماند (پایگاه تحلیلی تبیینی و جریان‌شناسی دیده‌بان: ۱۳۹۴).

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که بهترین راهبرد *بشار اسد* برای بهبود شرایط، میزبانی از تمامی اقلیت‌ها و قومیت‌ها و برخورد یکسان با آنها به‌عنوان شهروندان سوریه خواهد بود چراکه با اتحاد قومیت‌ها و اقلیت‌ها که مورد تکفیر گروه‌های سلفی سوریه هستند، دولت سوریه می‌تواند مرزبندی قومی را برداشته، در برابر گروه‌های تروریستی داخلی برگ برنده‌ای در دست داشته باشد.

۵- نظام سیاسی

رفتار بازیگران بحران با توجه به نوع و دوام نظام سیاسی آنها متفاوت است؛ نظام‌ها دارای طیفی متنوع هستند که این طیف از دموکراسی تا اقتدارگرایی غیرنظامی و نظامی را دربرمی‌گیرد. به‌طور معمول از کشورهای دموکرات انتظاری رود قانونمندان‌تر در برابر بحران‌ها واکنش نشان بدهند و به خشونت کمتر، متوسل شوند؛ این کشورها در مؤلفه‌های زیادی با یکدیگر اختلاف دارند که این مؤلفه‌ها شامل مدیریت بحران (گستره و شدت استفاده از خشونت، فاصله زمانی میان جرقه‌های اولیه بحران و تهدید معطوف به ارزش و میزان و درجه ارتباط با دشمنان) و همچنین ساختار تصمیم‌گیری است (برچر، ۱۳۸۲: ۶۷).

درخصوص نظام سیاسی کشور سوریه می‌توان گفت که قدرت در سوریه در دستان بشار /اسد، رئیس‌جمهور، برادر بشار اسد و شماری از دستیاران رئیس‌جمهور، متمرکز شده است؛ این افراد در واقع نگهبانان نظام تک‌حزبی بعثی در سوریه در ۴۸ سال گذشته هستند، نظامی که معترضان طرفدار دموکراسی و همچنین بسیاری از گروه‌های داخلی بارها آن را به چالش کشیده‌اند. خبرگزاری *رویترز* درخصوص نظام سیاسی در سوریه و به‌دست گرفتن قدرت سیاسی می‌نویسد: «تنها راه رسیدن به پست‌های اداری و سیاسی در این کشور، عضویت در حزب بعث است و درغیراین صورت، هیچ‌راهی برای پیشرفت افراد هرچند لایق و تحصیل کرده نمی‌توان یافت» (پیشکسوتان، ۱۳۹۰)؛ درواقع در ساختار سیاسی این کشور که به‌صورت جمهوری اداره می‌شود، رئیس‌جمهور، بالاترین مقام سیاسی کشور سوریه است. رئیس‌جمهور سوریه، توانایی دارد، نخست‌وزیر سوریه، دیگر اعضای کابینه و فرماندهان ارتش را نصب و عزل کند (روزنامه الوطن السوریه: ۱۳۹۲).

۶- مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در بررسی عواملی که به تشدید بحران بین‌المللی منجر می‌شوند، متغیر مداخله دولت‌ها در مدل برچر به نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای بستگی دارد که در رأس آنها ابرقدرت‌ها در شکل‌گیری بحران‌های بین‌المللی قرار دارند. در بحران آوارگان می‌توان به نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دخالت آنها در رویدادهای داخلی سوریه اشاره کرد که در رأس آنها می‌توان ایالات متحده آمریکا را یکی از قدرت‌های منطقه‌ای و حافظ همیشگی منافع اسرائیل معرفی کرد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

همان‌طور که برچر بیان می‌کند، مداخله قدرت‌های عمده در بحران‌های بین‌المللی دو عنصر رضایت و اثرگذاری را دربردارد. در برخی از مواقع، میزان مداخله، چشمگیر نیست و فعالیت‌ها تنها

به فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی، محدود می‌شوند؛ ولی گاهی میزان مداخله بیشتر بوده، اقدام‌ها شامل اقدام‌های نظامی مستقیم، فعالیت‌های شبه‌نظامی و مخفیانه می‌شود. در ادامه، بُعد تأثیر فعالیت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (آمریکا، ترکیه و عربستان) در فرونشاندن بحران یا گسترش آن ارزیابی می‌شود.

ه- بازیگران اصلی بحران سوریه

به‌طور کلی در بررسی نقش قدرت‌ها در یک بحران باید تأثیر و میزان سهم قدرت‌ها را در ایجاد، گسترش، کاهش و پایان‌دادن به آن بحران بررسی کرد؛ این نقش برای دو طرف اصلی بحران، مستقیم و برای دیگر بازیگران غیرمستقیم است. در جریان بحران سوریه، بازیگران داخلی را می‌توان دولت بشار اسد و همچنین گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) دانست و بازیگران اصلی و معارض بین‌المللی با دولت سوریه را کشورهای آمریکا، عربستان و ترکیه معرفی کرد؛ در این بخش، نقش بازیگران تأثیرگذار بر بحران سوریه را به‌صورت جداگانه بررسی می‌کنیم:

۱- ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا، یکی از بازیگران مهم تأثیرگذار بین‌المللی در جریان بحران سوریه است. آمریکا از لحاظ جغرافیایی در مکانی دور از منازعه قرار دارد (هنس، تافت و ویول، ۱۳۹۰: ۲۲)؛ با این حال، این عنصر، مانعی برای حضور پررنگ آمریکا در منطقه محسوب نمی‌شود. همان‌گونه که هانتینگتون به‌خوبی رفتار آمریکا را تبیین کرده‌است، آمریکا در سطح جهان اقدام‌هایی را انجام می‌دهد که نشان‌دهنده سیستم تک‌قطبی در عمل وجود دارد که در این راستا اقدام‌های آمریکا ضد افغانستان و عراق و تهدید جدی ضد ایران، سوریه، کره شمالی و گسترش اقدام‌های فرادستانه و یکجانبه در ابتدای قرن بیست‌ویکم را می‌توان در چارچوب این سیاست تبیین کرد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۶). ایالات متحده آمریکا در جریان بحران سوریه در جهت مخالفت با بشار اسد و در صف اول معارضان حکومت سوریه قرار گرفته‌است. از جمله دلایل آمریکا برای حضور در بحران سوریه و خاورمیانه به شرح زیرند:

- تضمین سرازیری جریان انرژی به سوی غرب؛
- پیشبرد فرایند صلح خاورمیانه؛
- تأمین و تضمین منافع اسرائیل؛

- ستیز با اسلام سیاسی با عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی؛
- مقابله یا دست‌کم، کنترل کشورهای مخالف آمریکا؛
- گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی؛
- ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۶ و ۲۷).

با نگاهی به تاریخ می‌توان متوجه شد که سوریه به همراه دیگر کشورهای عربی، دو جنگ جدی با اسرائیل داشته‌اند؛ در ۱۵ مه سال ۱۹۶۷، روابط سوریه و اسرائیل، بحرانی شد و در تاریخ ۵ ژوئن، اسرائیل به مصر و سپس اردن حمله کرد؛ پس از شکست این دو کشور، اسرائیل به صورت زمینی به بلندی‌های جولان حمله کرده، با سقوط شهر قنيطرة، ۱۲۶۰ کیلومتر از بلندی‌های جولان را اشغال کرد (موسی، ۱۳۹۹: ۹)؛ از سوی دیگر در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۳، سوریه و مصر حمله غافلگیرانه خود را ضد اسرائیل آغاز کردند و ارتش سوریه، ۶۸۴ کیلومتر از خاک جولان را آزاد کرد (موسوی، ۱۳۸۸: ۲)؛ از آن تاریخ تا به امروز، آمریکا به جز سوریه توانسته است کشورهای عربی را به حل اختلاف و صلح با اسرائیل ترغیب کند؛ بنابراین با توجه به اینکه سوریه، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای عرب ضد اسرائیل است، می‌توان به خوبی دلیل مخالفت آمریکا با دولت اسد و حمایت از نیروهای متخاصم مخالف دولت را دریافت.

در سال ۲۰۰۳ طبق طبقه‌بندی پنتاگون، سوریه، دولتی سرکش و پشتیبان تروریسم معرفی شده، جنگ با سوریه به عنوان بخشی از جنگ گسترده با ایران ارزیابی شد و ایران، عراق و سوریه در اولویت تغییر رژیم برای قرن جدید آمریکایی قرار گرفتند (Bolton: 2011)؛ بنابراین ایالات متحده آمریکا با توجه به اهدافی متعدد که مطرح شد، تمام تلاش خود را صرف می‌کند تا با برهم زدن نظم منطقه و سیاست (تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن) با حمایت از گروه‌های متخاصم مخالف دولت بشار اسد، مهره‌ای تأثیرگذار در جریان درگیری‌ها در سوریه باقی‌بماند.

۲- عربستان سعودی

در جریان‌های تاریخی، یکی از صحنه‌های مهم رقابت سوریه و عربستان، کشور لبنان است؛ در سال‌های اخیر، پس از ترور و مرگ رفیق حریری، عربستان این اتفاق را از چشم سوریه دید و قتل نخست‌وزیر سابق لبنان در فوریه سال ۲۰۰۵ و همچنین جنگ میان حزب‌الله و اسرائیل در ژوئیه سال ۲۰۰۶، به منزوی شدن سوریه در جهان عرب منجر شد. از دیدگاه ریاض، هر راهی که به قدرت گرفتن

شیعیان در خاورمیانه بینجامد، باعث افزایش نفوذ ایران خواهد شد و تهدیدی بزرگ برای امنیت عربستان سعودی محسوب می‌شود.

با توجه به این مسئله، واضح است که حکومت آل سعود تمایل دارد، نظام هم‌پیمانان ایران در کشور سوریه منحل شود تا تهدیدی ضد بقای خاندان سعودی وجود نداشته باشد. عربستان سعودی در جریان درگیری‌ها پشتیبان مالی و فکری گروه‌های سلفی و وهابی تندرو بوده است؛ این کشور در جهت پیشبرد منافع خود، نگاهی ایدئولوژیک به سوریه دارد و گزارش‌های رسیده، از نقش مهم عربستان سعودی در پشتیبانی مالی مخالفان حکومت سوریه به‌خصوص گروه‌های سلفی رادیکال حکایت دارند (Chossudovsky: 2011).

در این راستا، ملک عبدالله در یکی از سخنان خود به‌وضوح، تغییر نظام سوریه را خواستار شد و در بیانیه‌ای اعلام کرد که ادامه کشتار در خیابان‌های سوریه برای عربستان قابل قبول نیست و اسلام (که خود را نماینده آن می‌داند) از آن چشم‌پوشی نمی‌کند. سعودی‌ها در واقع به دنبال سرنگونی اسد (که او را از حامیان بزرگ ایران می‌دانند) بوده، با هدف به‌چالش کشیدن ایران در منطقه، این سیاست خود را پیش می‌برند (بهمنش و نیاکویی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

بنابراین عربستان سعودی که یکی از قدرت‌های درجه دوم منطقه‌ای است، در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، قدرت ایران را همواره در مجامع بین‌المللی به‌چالش کشیده و همگام با ایالات متحده آمریکا، راهکارهایی (استراتژی‌های) مشابه را در تلاش برای تغییر نظام سوریه در پیش گرفته است.

۳- ترکیه

آغاز درگیری‌ها در سوریه، موضع ترکیه را به موضوعی پیچیده تبدیل کرده است؛ در تحلیل رفتار و اهداف ترکیه در بحران سوریه، مسائلی متعدد مطرح‌اند؛ سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجیگری و داوری به مہیاکردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ، متمایل شده است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲). ترکیه در سال‌های اخیر، سیاست «راه نئوعثمانی‌گری» همراه با نوستالوژی احیای ابرقدرت قرن ۱۶ و ۱۷ را آغاز کرده است؛ آنکارا تصمیم دارد به یک رهبر منطقه تبدیل شود و از ایالات متحده درخواست می‌کند که پیش از هر اقدام منطقه‌ای، طرف مشورت قرارگیرد. با در نظر گرفتن نظریه تک‌قطبی - چندقطبی هانتینگتون می‌توان

راهکار مدنظر آمریکا و ترکیه را تبیین کرد. آنکارا به‌عنوان قدرتی درجه دوم در منطقه خاورمیانه به‌دنبال رسیدن به قدرت سطح اول است و در این راه باید قدرت و منافع ایران را در منطقه به‌چالش بکشد (وب‌سایت نشریه فارین پالیسی: ۲۰۱۱).

درخصوص رابطه دو کشور ترکیه و سوریه می‌توان گفت که رابطه این دو کشور سال‌ها رابطه‌ای ضعیف بود؛ چهار موضوع مشخص در این زمینه، شامل «حمایت کشور سوریه از پ.ک.ک و نگهداری *عبدالله اوجلان*، رهبر این حزب در آن زمان؛ مناقشات بر سر آب؛ موقعیت سوریه در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی و همچنین ادعای کشور سوریه درخصوص استان حتا در کشور ترکیه» به‌کم‌رنگ شدن روابط این دو کشور منجر شد؛ همچنین اتهام‌هایی که ترکیه به سوریه نسبت داده بود و تقویت نظامی دولت ترکیه در مرزها، سوریه را مجبور کرد که موافقت‌نامه «ادنا» را برای پایان حمایت از پ.ک.ک و اخراج *اوجلان امضاکنند* ولی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، رابطه این کشور با سوریه بهبودیافت و *اردوغان*، نخست‌وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۴ به سوریه سفر کرد (هنسن، تافت و ویول، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

مدتی پس از آغاز حوادث در کشور سوریه، رهبران ترکیه، طرف‌های مخاصمه را به خویشتن‌داری دعوت می‌کردند و *بشار اسد* را به رسمیت می‌شناختند ولی با گذشت زمان، انگیزه ترکیه برای سرنگونی *بشار اسد*، راسخ شد و در این مسیر، حتی به تهدید حمله نظامی نیز دست زد. ترکیه با برنامه‌ریزی، مرز (در) کشور خود را برای آوارگان سوریه گشود و به سوریه، اولتیماتوم نهایی داد و دولت این کشور را به شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری تهدید کرد (وب‌سایت نشریه فارین پالیسی: ۲۰۱۱).

در برابر این تغییر رفتارها می‌توان گفت که بحرانی شدن درگیری‌ها در سوریه، ترکیه را وادار کرده است، سیاست عمق استراتژیک را مبنی بر صفر کردن مشکلات منطقه رها کند. در شش ماه ابتدایی بحران، ترکیه برای سرنگونی اسد تصمیم نداشت، تلاش کند؛ ولی با گذشت زمان، *اردوغان*، مشکل سوریه را فرصتی منحصر به فرد برای تسلط در منطقه ارزیابی کرد.

در حال حاضر، دولت ترکیه به این نتیجه رسیده است که دیگر، دولت *اسد* برای سرمایه‌گذاری اهمیتی نداشته، باید بر شورش‌ها سرمایه‌گذاری کند (وب‌سایت سیاست روز: ۱۳۹۰). *اردوغان* عقیده دارد که سوریه، دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی است و مسیری است که ترکیه به آن برای وارد شدن به خاورمیانه، امیدوار است.

ترکیه در تلاش برای حمایت از تغییر دولت سوریه، امیدوار است که موقعیت منطقه‌ای خود را در آینده بهبود ببخشد و از تنگنای شدید جغرافیایی، رها شود. در پی رویکرد جدید در سیاست خارجی ترکیه بود که ساموئل هانتینگتون در کتاب *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*، ترکیه را یکی از شش کشور بزرگ اسلامی نام برده است که بالقوه و بالفعل توانایی دارد، جهان اسلام را رهبری کند (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲).

۴- جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از قدرت‌های منطقه‌ای است که در سوریه منافع مهم دارد. ایران از صادرکنندگان بااهمیت انرژی بوده، تمایل دارد که آمریکا و اروپا را از کنترل مسیرهای انرژی در خاورمیانه و همچنین حوزه دریای خزر بازدارد. گفتنی است که ایران، محوری ژئواستراتژیک است به گونه‌ای که اگر ایران در منطقه با ایالات متحده آمریکا متحد شود، می‌تواند به صورت جدی، چین و روسیه را بی‌ثبات کند ((NAZEMROAYA, 2013: 1-5) در حال حاضر در منطقه، مثلث متحدان «ایران، چین و روسیه» ضد آمریکا تشکیل شده است که در کانون مرکزی ائتلاف اوراسیا قرار دارد و در مقابل تلاش آمریکا برای سلطه جهانی مقاومت می‌کنند؛ هر سه کشور (چین در آسیای شرقی و اقیانوس آرام، ایران در آسیای جنوب غربی و روسیه در اروپای شرقی) در برابر نفوذ آمریکا ایستاده‌اند و برای حضور آمریکا در خاورمیانه و سوریه، نگران هستند.

ایران در حال حاضر، یکی از بزرگ‌ترین متحدان منطقه‌ای دولت سوریه است. در جریان جنگ تحمیلی، سوریه معتقد بود که جنگ ایران و عراق به هیچ وجه، تقابل عربی-ایرانی نیست و جنگ دولت عراق و دولت‌های غربی ضد ایران است؛ با این حال، این جنگ، وحدت نیروهای ضد صهیونیستی را تضعیف کرد؛ بنابراین، سوریه با اصرار زیاد از جدا کردن راه خود از گروه‌های متعارض مخالف ایران و همچنین برقراری عقد تفاهم و اتحاد با ایران، دفاع می‌کرد (فولر، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

جمهوری اسلامی ایران، تمامی تعهدهای خود را در برابر همکاری با سوریه در عرصه بین‌الملل و همچنین منطقه خاورمیانه انجام داده است. ایران در طول حیات کشور سوریه به خصوص پس از اعمال فشار غرب و ناتو برای حمله به این کشور و آغاز حمله تروریست‌ها به سوریه، حمایت همه‌جانبه خود از این کشور را اعلام کرده، با راه‌ها و شیوه‌های متعدد از جمله حمایت‌های نظامی، مالی و سیاسی

در کنار دولت سوریه ایستاد و به مقاومت آنها در برابر گروه‌های متعارض کمک کرد. برای درک بهتر نقش سوریه در منطقه خاورمیانه باید به اتحاد استراتژیک سوریه و ایران و همچنین نقش نیابتی ایران در منطقه اشاره کرد. سوریه در واقع ایجادکننده ارتباط با حزب‌الله و همچنین کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به‌شمار می‌رود (William Samii: 2008: 29) سوریه در روابط میان اعراب و اسرائیل، امن‌ترین موقعیت استراتژیک را داراست و این مسئله، تقویت مقاومت حزب‌الله در برابر رژیم صهیونیستی را موجب شده و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ایران از لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای جهان عرب، نفوذ ایران در منطقه تقویت شده است که این امر، خوشایند اعراب نیست (El-Hokayem: 2007, 44)؛ به همین دلیل، نقش سوریه در حمایت از محور مقاومت و همچنین جلوگیری از قدرت گرفتن اسرائیل از عوامل منطقه‌ای بود که ریشه‌های سیاسی کشور را سست کرده، راه دخالت قدرت‌های غربی را نیز به منطقه باز کرد.

تغییر سیاست خارجی ایران با پیروزی در انقلاب اسلامی و همچنین اعلام حمایت رهبر جمهوری اسلامی از فلسطین، نه تنها مخالفت آشکار و علنی ایران با اسرائیل بود، بلکه این کشور را به رقیب سرسخت اسرائیل در منطقه مبدل کرد؛ در این میان، ایران در منطقه به دنبال متحدانی بود تا بتواند موقعیت خود را در منطقه تثبیت کند. در پی تلاش ایران برای جذب متحدان منطقه‌ای، این کشور به حمایت از حزب‌الله لبنان پرداخت و همچنین، همکاری نیروهای نظامی ایران با شیعیان لبنان در مقابل اسرائیل، به ایجاد معادله ایران- شیعیان و اتحاد با لبنان و سوریه منجر شد. همکاری دو کشور ایران و سوریه در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب‌الله و اسرائیل و همچنین، حمایت‌های ایران از حزب‌الله، عمق روابط استراتژیک این کشور را بیشتر کرد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

ایران در بحران سوریه از حکومت بشار اسد به‌طور کامل حمایت کرد و این حمایت از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکردهای امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه است؛ به همین دلیل، بسیاری از سیاست‌مداران ایران معتقدند ایران با توجه به سه دهه فعالیت برای تحقق یک سیاست مؤثر در خاورمیانه و سرمایه‌گذاری روی نظام اسد، نباید به راحتی حاضر باشد این کشور استراتژیک را از دست بدهد.

۵- حزب‌الله لبنان

رویکرد حزب‌الله به بحران سوریه را باید با توجه به ارتباط سوریه با رویکرد مقاومتی

حزب‌الله در برابر رژیم صهیونیستی و همچنین اثرگذاری تحولات داخلی سوریه بر جایگاه حزب‌الله در صحنه سیاسی این کشور از یک سو و تأثیرهای تحولات سوریه بر جریان منطقه‌ای مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی (که به صورت مستقیم حزب‌الله و توانمندی‌های نظامی و امنیتی آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد) از سوی دیگر بررسی کرد.

همکاری حزب‌الله لبنان با جمهوری اسلامی ایران در دهه گذشته به دلیل ایدئولوژی‌های مشترک دوسویه، مانند «حمایت از سوریه، مبارزه با رژیم صهیونیستی، همکاری با نیروهای فلسطینی و مخالفت با غرب» در جریان است (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۶۹)؛ چراکه آینده سوریه و عدم شکست این کشور در برابر اهداف و نیات کشورهای غربی، برای ایران از لحاظ «حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت هلال شیعی برای ایران و حزب‌الله لبنان»، بسیار ارزش دارد؛ در برابر این محور مقاومت نیز، ایالات متحده آمریکا با درپیش گرفتن سیاست‌هایی نظیر «حمله به عراق، زمینه‌سازی برای حمله رژیم صهیونیستی به حزب‌الله لبنان و فلسطین و همچنین، حمایت مالی از گروه‌های افراطی ضد شیعیان»، در راستای تلاش برای کاهش قدرت محور مقاومت در برابر ایران و حزب‌الله، تهدیدهایی را صورت می‌دهد (Cook, 2008:36).

۶- فدراسیون روسیه

اهمیت کشور سوریه، سالیان سال است که برای روسیه مطرح بوده است و این دو کشور در اهداف خود با یکدیگر دارای راهبردهایی یکسان و هم‌پوشانی در اهداف بین‌المللی هستند. براساس راهبردهای جدید، روسیه در تلاش است تا ضمن حفظ کشور سوریه به عنوان یکی از متحدان دوران جنگ سرد و آخرین دژ در خاورمیانه، همچنان یک متحد در منطقه داشته باشد؛ پونخوف، یکی از کارشناسان تسلیحات و امور بین‌الملل روسیه در این خصوص می‌گوید: «تغییر نظام در سوریه و روی کار آمدن حکومت دلخواه ایالات متحده، در واقع به معنای گرفتن جای پای محکم روس‌ها در منطقه استراتژیک خاورمیانه و دریای مدیترانه بوده، گامی مهم در راستای کاهش قدرت روسیه و محدود کردن این کشور به مرزهای درونی خویش محسوب می‌شود؛ سیاستی که پیش از سوریه، آمریکا آن را در بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز نیز دنبال کرده است» (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

در این راستا می‌توان گفت که سقوط نظام سیاسی سوریه برای رهبران روسیه و پوتین به معنی از دست دادن آخرین متحد همیشگی در منطقه خاورمیانه بوده که در ادامه آن، این رویداد به معنای

ورود ناتو به حیاط خلوت روس‌ها و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی فدراسیون روسیه و درنهایت، ناکامی در تحقق مبانی دکترین امنیت ملی کشور روسیه است.

از دید دولت روسیه، تحولات کشور سوریه می‌تواند تعادل و توازن قوا را در خاورمیانه برهم‌بزند و برهم‌خوردن این توازن نیز بی‌تردید به زیان کشور روسیه تمام می‌شود چراکه در صورت برهم‌خوردن این توازن، قدرت ایران در فلسطین، عراق و لبنان کاهش می‌یابد و جمهوری اسلامی ایران، تحت فشار قرار خواهد گرفت که درنهایت، این موضوع‌ها در موارد دیگر از جمله مسائل مربوط به دریای خزر، قفقاز شمالی و جنوبی و آسیای مرکزی نمود یافته، به زیان روسیه ختم خواهد شد؛ به همین دلیل، روسیه موضوع سوریه را مشکلی راهبردی و جدی تلقی می‌کند که باید پایان‌گیرد چراکه در صورت ادامه آن، کشورهای غرب، عربستان و ترکیه، متنفع خواهند شد؛ با توجه به این ملاحظات، فدراسیون روسیه این کشور با نوعی توافق بین‌المللی برای پایان جنگ و حل و فصل موضوع‌ها در این منطقه، موافق است (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

۷- اسرائیل

با نگاهی به تاریخ می‌توان دریافت که سوریه به همراه دیگر کشورهای عربی، دو جنگ جدی با اسرائیل داشته‌است. در ۱۵ مه سال ۱۹۶۷، روابط سوریه و اسرائیل، بحرانی شد و در تاریخ ۵ ژوئن، اسرائیل به مصر و سپس اردن حمله کرد؛ از سوی دیگر در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۳، سوریه و مصر حمله غافلگیرانه خود را ضد اسرائیل آغاز کردند و از آن تاریخ تا به امروز، آمریکا به‌جز سوریه توانسته‌است، کشورهای عربی دیگر را به حل اختلاف و صلح با اسرائیل ترغیب کند؛ بنابراین با توجه به اینکه سوریه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای عرب ضد اسرائیلی است، می‌توان به‌خوبی دلیل مخالفت آمریکا با دولت اسد و حمایت از نیروهای متخاصم مخالف دولت را دریافت؛ بنابراین یکی از اصلی‌ترین محورهای نظامی و راهبردی (استراتژیک) سوریه در منطقه، برخورد و تعارض این کشور با رژیم صهیونیستی است. ارتش سوریه، در واقع تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد؛ به همین دلیل، مقام‌های رژیم صهیونیستی، سوریه را یکی از تهدیدهای راهبردی منطقه معرفی می‌کنند (رجبی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

گفتنی است که کشور سوریه، نزدیک به نیم قرن است برای اسرائیل به‌طور مستقیم، خطری ایجاد نکرده ولی تحولات اخیر در خاورمیانه و به‌خصوص بحران سوریه، توجه مقام‌های دولتی و

امنیتی اسرائیل را به خود جلب کرده است. در اینجا باید به اتحاد اسرائیل و آمریکا اشاره شود چراکه با تحولات پدیدآمده در منطقه خاورمیانه، دولت اسرائیل در اتحاد با آمریکا به دلیل منافع مشترک متعدد سعی دارند تا از قدرت گرفتن نیروهای تندروی مذهبی در سراسر خاورمیانه به ویژه سوریه جلوگیری کنند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

در این خصوص می توان به سقوط حکومت مرسی از حزب اخوان المسلمین مصر اشاره کرد که سقوط این حکومت به دست ارتشیان، نه تنها از جانب اسرائیل و آمریکا کودتا خوانده نشد، بلکه این رویداد را اقدامی در راستای ایجاد یک حکومت انتقالی با هدف ایجاد دموکراسی دانستند. آمریکا از یک دهه پیش به دنبال ایجاد طرح خاورمیانه بزرگ و استقرار حکومت های دموکرات و سکولار بود تا امنیت اسرائیل تأمین شود؛ برای رسیدن به این هدف اعتراض های مردم را رصد کرده، در جایی که امنیت اسرائیل مدنظر قرار می گرفت، در ابعاد نظامی و مادی دخالت می کرد. بی تردید، تغییر نظام های خودکامه به نظام های مذهبی تندرو به ویژه در همسایگی اسرائیل، نه تنها به کاهش امنیت اسرائیل منجر می شد، بلکه امکان برقراری رابطه عادی با آمریکا را نیز کاهش می داد چراکه گروه های اسلامی تندرو، آمریکا را اصلی ترین دشمنان اسلام می پنداشته اند (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

در خصوص موضع گیری اسرائیل در بحران سوریه نیز می توان گفت: اسرائیل از شکل گیری حکومت های اسلامی در کشورهای عربی در خاورمیانه استقبال نمی کند چراکه این دولت های اسلامی، تهدیدی برای آن خواهند بود. تحولات سوریه و ورود نیروهای بنیادگرای تندرو داعش و النصره در این کشور، سبب شده تا اسرائیل در سرنگونی دولت /سد با تردیدهایی مواجه شود؛ از سوی دیگر نیز، نقش ایران در سوریه و پل ارتباطی این کشور با حزب الله از طریق حکومت اسد، عاملی شده است تا رژیم اسرائیل، تمایل به درپیش گرفتن سیاست تضعیف /سد و عدم پیروزی نیروهای معارض تندروی مذهبی را در نظر داشته باشد (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۴).

به همین دلیل، اسرائیل، از میان بردن سلاح های شیمیایی سوریه و حمایت اندک از گروه های معترض سوری را با هدف طولانی شدن جنگ در سوریه، خواستار است ولی در کنگره آمریکا هنوز به لابی سرسختانه برای ورود ایالات متحده به جنگ با سوریه برای سرنگونی حکومت بشار /سد دست نزده است چراکه با طولانی شدن درگیری ها نیروی نظامی کل کشور تحلیل می رود و سوریه به ویرانه ای تمام عیار تبدیل خواهد شد؛ در این شرایط، سوریه باید پس از بحران تا سال ها به بازسازی، اقدام و چندین دهه هزینه کند و این مسئله به معنی سوریه ای بدون تهدید و ضعیف است که این

شرایط به بهترین وجه، اهداف اسرائیل را تأمین خواهد کرد.

۸- قطر

قطر در جریان قطب‌بندی منطقه در قبال سیاست‌های درپیش‌گرفته‌شده درخصوص سوریه، راه همکاری با عربستان سعودی را انتخاب کرد و همگام با عربستان سعودی در نشست ۱۲ نوامبر اتحادیه عرب در قاهره، پس از بررسی بحران سوریه از لغو عضویت این کشور در اتحادیه عرب حمایت کرد و پس از انجام این لغو عضویت، اتحادیه عرب از اعضایش خواست که سفرای خود را از سوریه فراخوانند (جانسیز، ۱۳۹۳: ۸۲).

ازسوی‌دیگر از اوایل سال ۲۰۱۲، عربستان سعودی با همکاری ترکیه و قطر، تلاش‌هایش را برای انتقال سلاح و افزایش حمایت مالی از گروه‌های تکفیری و سلفی افزایش داد؛ در همان زمان، **گاردین** گزارش داد که خبرنگاران این روزنامه در مرزهای جنوبی کشور ترکیه، شاهد انتقال سلاح به سوریه بوده‌اند که در جریان آن، افرادی با ملیت‌های عربی کشورهای حوزه خلیج فارس، پنجاه جعبه تفنگ، تجهیزات و مهمات پزشکی را از مرز ریحانلی^۱ به شورشیان ارتش آزاد تحویل داده‌اند (The Guardian, 13 June 2012)؛ در تاریخ ۲۳ ژوئن همان سال، **رویترز** گزارش داد که قطر با همکاری عربستان سعودی، کمک‌های مالی خود را برای شورشیان سوریه افزایش داده‌است.

بنابراین، امروزه قطر به‌عنوان یکی از همکاران اصلی عربستان سعودی، ازجمله بازیگران عمده کشاکش در بحران سوریه است و در مقام بازیگر فعال و مخالف **بشار اسد**، همواره از معارضان سوری ازجمله گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه و اخوان‌المسلمین، به‌گونه‌ای آشکار حمایت کرده‌است؛ این کشور با تغییر اولویت‌های خود برای کسب منافع بیشتر، درحال‌حاضر، تأثیرگذاری بر وضعیت سوریه را از اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده‌است؛ این امیرنشین، اولین کشوری بود که سفیر خود را با هدف اعتراض، از سوریه فراخواند و همچنین اولین کشوری بود که سفارت سوریه را به اپوزیسیون سوریه تحویل داد و آنها را به رسمیت شناخت؛ ازسوی‌دیگر، قطر نخستین کشوری بود که بحث تحریم‌های سوریه را به‌میان‌کشید و پس از آن هم، یکی از حامیان اصلی مداخله نظامی در سوریه بوده‌است.

۱. از شهرستان‌های ترکیه

۹- اردن

کشور پادشاهی اردن از کشورهای است که از بحران سوریه تأثیرمی‌گیرد لذا مجبور شده‌است در جریان این بحران، نقش ایفاکند. براساس آمارهای منتشره توسط سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۱۶، بالغ بر ۶۲۵ هزار پناهجوی سوری به کشور اردن وارد شده‌اند چراکه این کشور با سوریه هم‌مرز بوده و به طبع، تأثیرهای بحران این منطقه بر اردن هم تأثیرهایی نامطلوبی داشته‌است. اردن از بازیگرانی است که با قدرت‌گیری ایران در منطقه، به شدت مخالف بود و پادشاه اردن در تعبیری از محور مقاومت و نفوذ ایران، به‌عنوان اختاپوسی با شاخک‌های متعدد نام‌برده‌است (Seeberg, 2012:23).

این کشور نیز از همراهان عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های شورشی در سوریه محسوب می‌شود؛ برای نمونه در دسامبر ۲۰۱۲، موجی تازه از ارسال سلاح‌های نظامی برای شورشیان آغاز شد که بخشی چشمگیر از این سلاح‌ها از خاک اردن به شورشیان منتقل شده بود (جانسیز، ۱۳۹۳: ۸۳).

و- جمع‌بندی

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان گفت که واکنش خشونت‌آمیز و شدت عمل نیروهای متخاصم در بحران سوریه زمینه ساز گسترش و استمرار بحران سوریه و تبدیل شدن آن به جنگی فرسایشی و خردکننده شده‌است. «بازیگران داخلی» در دو گروه دولت بشار و موافقان ازیک‌سو و مخالفان اعم از گروه‌های تکفیری، بخشی از کردها و گروه‌هایی دیگر از ساکنان سوریه قرار می‌گیرند؛ «بازیگران خارجی» نیز، دو محور موافقان نظام موجود سوریه، یعنی ایران، حزب‌الله لبنان و روسیه و مخالفان یعنی آمریکا، اسرائیل، ترکیه عربستان سعودی و به‌طور کلی جبهه عربی- غربی را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، با توجه به جغرافیا و موقعیت پیرامونی، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، گسترش و استمرار بحران و مسائل حاشیه‌ای (مانند اقدام‌های بین‌المللی گروه تکفیری داعش و تهدید به برهم‌زدن امنیت جهانی) در ژئوپلیتیک جهانی این بحران، به یکی از مهم‌ترین بحران‌های جهانی

تبدیل شده است که جامعه بین‌الملل هنوز در انجام اقدام‌ها برای پایان آن ناتوان به نظر می‌رسد لذا کاهش بحران، ممکن است در کوتاه‌مدت یا درازمدت از طریق چانه‌زنی مستقیم، مداخله طرف ثابت و اعمال قدرت نظامی برتر یکی از دو طرف تحقق یابد (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۰). در شرایط گسترش بحران و افزایش پیامدهای منفی آن، راه‌هایی متعدد را می‌توان برای حل و فصل منازعات سیاسی در نظر گرفت؛ برای نمونه به نظر می‌رسد، نیروهای متخاصم داخلی باید با میانجیگری قدرت‌های منطقه و سازمان‌های بین‌المللی، پای میز مذاکره نشسته، به تحرک‌های نظامی ضد یکدیگر پایان دهند یا در عرصه داخلی و بین‌المللی، بازیگران درگیر، به نوعی موازنه منافع منطقی (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۳۲ تا ۳۴) دست یابند. هالستی، شش راه را برای حل و فصل بحران‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد که با توجه به موقعیت ترکیبی منطقی از موارد سوم به بعد می‌توانند مؤثر واقع شوند:

۱. احتراز یا عقب‌نشینی داوطلبانه؛
۲. غلبه خشونت‌آمیز؛
۳. تسلیم یا عقب‌نشینی اجباری ناشی از تهدید برای به‌کارگیری زور؛
۴. سازش؛
۵. حکمیت یا ارجاع منازعه به داور؛
۶. حل و فصل منفعلانه یا تسلیم در برابر وضعیت موجود جدید بدون توافق رسمی (هالستی، ۱۳۸۳: ۷۱۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران سوریه بررسی شوند که پس از بررسی‌ها عواملی همچون: قطب‌بندی و چندمرکزی بودن بحران سوریه، بین‌المللی شدن گستره نفوذ بحران، تعارض مستمر و طولانی مدت، چنددستگی قومی، نظام سیاسی غیرقابل انعطاف و حضور و دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران سوریه هستند که آن را به بحرانی بین‌المللی و فرسایشی تبدیل کرده‌اند که تأثیرهایی مهم بر جامعه جهانی دارد.

در این خصوص می‌توان به تأثیرهای این بحران در سطح منطقه و بین‌المللی اشاره کرد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «بالغ بر هشت میلیون آواره سوری، سوءاستفاده گروه‌های تکفیری از منابع

نفت و گاز و درآمدزایی سرسام‌آور گروه‌های تروریستی برای عملیات بیشتر در سطح بین‌المللی، شکل‌گیری هویت اجتماعی مخدوش داعش و گسترش طرح‌های (ایده‌های) رادیکالی در سطح جهانی و کاهش قدرت نفوذ دولت‌ها» اشاره کرد. با توجه به موارد مطرح‌شده به‌نظرمی‌رسد از جمله موانع جدی بر سر راه پایان بحران سوریه، «عدم اقدام جدی بین‌المللی و حضور سازمان‌های بین‌المللی برای پایان بحران، باقی‌ماندن اختلاف‌های بازیگران و گروه‌های متخاصم و طبیعت جنگ‌طلب آنها و همچنین اصرار این گروه‌ها مانند داعش و جبهه النصره برای استفاده از روش‌های زورمندانه سنتی و به‌دست‌گرفتن قدرت کل کشور سوریه و تمامیت ارضی کشورهای منطقه» باشند. برمبنای مدل برچر که نمایشی از ترکیب دو عنصر مراحل و عوامل را به‌نمایش می‌گذارد. بحران سوریه در مرحله شکل‌گیری، تحت تأثیر عوامل داخلی از یک‌سو، وضعیت جغرافیایی و نظام بین‌الملل و [همچنین] نگرش هویتی خاص تکفیری شکل‌گرفت. پیدایی داعش و اعلام حکومت آن، همراه با ورود کردها در داخل و مداخلات بین‌المللی و نیز وضعیت منازعه، آن را به مرحله دوم، یعنی گسترش وارد کرد.

براساس مدل برچر، مرحله سوم، مرحله کاهش بحران است که اغلب با ورود عوامل میانجیگر بیرونی مانند سازمان‌های بین‌المللی یا قدرت‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد اما در بحران سوریه، ما با وضعیت استمرار و فرسایشی شدن همراه با بین‌المللی شدن مواجه هستیم یعنی سه عاملی که مانع از کاهش و افول بحران هستند؛ تأثیر بحران بر جامعه بین‌المللی نیز به این روند استمرار کمک کرده‌است؛ بنابراین، اگرچه نمی‌توان بازیگران خارجی را عامل اصلی شکل‌گیری بحران دانست، می‌توان با نگرشی راهبردی، متوجه شد که این ملاحظات راهبردی بازیگران خارجی است که ضعف‌ها و کمبودهای سوریه را به بحرانی عمیق و عرصه جنگی تمام‌عیار میان گروه‌های مسلح تبدیل کرده‌است که هیچ‌نشانی از مصالحه و گفتگو از خود نشان نمی‌دهند؛ بنابراین در تحلیل بحران سوریه، شناخت بازیگران ذی‌نفع بین‌المللی و ملاحظات راهبردی و ایدئولوژیکی آنها در کنار شناخت گروه‌های درگیر و مخاصم درون سوریه، بسیار اهمیت دارد.

در پایان می‌توان نتیجه‌گرفت با عوامل پیچیده داخلی و بین‌المللی، براساس مدل برچر، به‌نظر نمی‌رسد، شرایط مناسب برای پایان بحران سوریه در کوتاه‌مدت فراهم باشد؛ ولی در صورتی که طرف‌های متخاصم، مایل باشند بحران حل شود، می‌توانند با ایجاد ترتیب‌های امنیتی جدید در منطقه، میزان حضور و نفوذ خود را بازتعریف کنند و سازوکارهای سیاسی مناسب و دموکراتیکی را برای

همزیستی مسالمت‌آمیز پیداکنند.

منابع

۱- منابع فارسی

- اکرمی‌نیا، محمد (تابستان ۱۳۹۲)؛ «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال شانزدهم، ش ۲.
- امید، علی و فاطمه رضایی (پاییز ۱۳۹۰)؛ «عثمانی‌گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ سال سوم، ش ۳.
- آجورلو، حسین (۱۳۹۰)؛ «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*؛ سال هجدهم، ش ۳.
- باقری دولت‌آبادی، علی و سیروان رحیمی دهگلان (۱۳۹۴)؛ «بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع و آینده کردها»، *فصلنامه سیاست خارجی*؛ ش ۱۱۲، ص ۱۲۳ تا ۱۵۰.
- برچر، مایکل و جاناتان ویلکنفلد (۱۳۸۲)؛ *بحران، تعارض؛ ترجمه علی صبحدل*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲)؛ *بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها*؛ ترجمه فردین قریشی؛ ج ۱، تهران: مرکز پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل (۱۳۹۲)؛ *بحران در سیاست جهان*؛ ترجمه علی بلوچی؛ ج ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل و جاناتان ویلکنفلد (۱۳۸۲)؛ *بحران، تعارض؛ ترجمه علی صبحدل*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- بوزان، باری (۱۳۸۶)؛ *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*؛ ترجمه علیرضا طیب؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۱)؛ «آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*؛ ش ۱۸، ص ۷ تا ۳۶.
- جانسیز، احمد و دیگران (زمستان ۱۳۹۳)؛ «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*؛ سال سوم، ش ۱۲، ص ۶۷ تا ۹۲.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)؛ *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*؛ تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸)؛ *رفتارشناسی آمریکا در قبال نهضت ملی ایران*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خلیلی، محسن؛ سلیمانی پور، زهرا؛ عشرتی خلیل آباد، فهیمه (۱۳۹۲)، "بررسی بحران آذربایجان بر پایه مدل مدیریت بحران برچر"، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۴۷ تا ۱۸۴.
- خیبری، کابک؛ علیرضا ملاقدیمی و محمد رهگوی (۱۳۸۹)؛ «کالبدشکافی بحران گرجستان براساس مدل مایکل برچر»، *پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل*؛ ش ۴۵، ص ۹ تا ۴۶.
- رجبی، سهیل (زمستان ۱۳۹۱)؛ «واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه پانزده خرداد*؛ دوره سوم، سال دهم، ش ۳۴.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)؛ *آشنایی با کشورهای اسلامی*؛ ج ۱، تهران: نشر مشعر.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۲)؛ «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*؛ دوره ششم، ش ۲۴، ص ۱۵۷ تا ۱۹۰.
- شریفیان، جمشید و همکاران (۱۳۹۱)؛ «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، *فصلنامه امنیت پژوهی*؛ سال یازدهم، ش ۳۸، ص ۱۳۹ تا ۱۸۴.

- صادقی، سید شمس‌الدین و کامران لطفی (۱۳۹۴): «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، *جستارهای سیاسی معاصر*؛ سال ششم، ش ۱، (پیاپی ۱۵)، بهار، صص ۱۲۳ تا ۱۴۴.
- عمید، حسن (۱۳۸۳): *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فولر، گراهام (۱۳۹۰): *ژئوپلیتیک ایران*؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: نشر مرکز.
- کی. جی. هالستی (۱۳۸۳): *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*؛ ترجمه بهرام مستقیمی و طارم سری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مستقیمی، بهرام (۱۳۸۵): «در باب تعریف بحران در نظام بین‌المللی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*؛ ش ۳۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷): *لغت‌نامه دهخدا*؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- منصوری، محمدحسین (۱۳۹۲): «بررسی مواضع و اهداف روسیه در بحران سوریه»، *فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی*؛ سال پنجم، ش ۳۱، صص ۱۷۵ تا ۱۹۵.
- موسوی، سید حسین (۱۳۸۸): «بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال دوازدهم، ش ۲.
- نجات، سید علی (۱۳۹۴): «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، *فصلنامه سیاست دانشگاه تربیت مدرس*؛ ش ۶، صص ۱۰۳ تا ۱۱۹.
- نیاکویی، سید امیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱): «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ سال چهارم، ش ۴، صص ۹۷ تا ۱۳۵.
- هنسن، برت؛ پتر تافت و آندره ویول (۱۳۹۰): *راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی* «قدرت از دست‌رفته»؛ ترجمه دکتر سید امیر نیاکویی و دکتر احمد جانسیر؛ رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

۲- منابع انگلیسی

- Baroud, Ramzy (2011), "Zero-Problems Foreign Policy No More: Turkey and the Syrian Abyss", Foreign Policy Journal, November 26, 2011. Link: <http://bit.ly/1T0KJdB>
- Bolton, K. R (2011), "Iran: The Next Domino?", Foreign Policy, February 22, 2011 <http://bit.ly/1TuIHzA>
- Brecher, Michael (1977), "Toward a theory of International Crisis Behaviour", International Studies Quarterly, Volume 21, Issue 1.
- Brecher, Michael (1979), "State Behavior in International Crisis", Journal of Conflict Resolution, Vol.23, No.3, 446-480.
- Cherif Vanly, Ismet (1992), The Kurds: A Contemporary Overview, Oxford: Rutledge
- Chossudovsky, Michel (2011), "The Destabilization of Syria and the Broader Middle East War". Global Research Website, June 17, 2011. Link: <http://bit.ly/1XaweH8>
- El-Hokayem, Emile, (2007), "Hizballah and Syria: Outgrowing the Proxy Relationship", the Washington Quarterly, 30 (2)./
- Ian Black and Dan Roberts (2013), "Hezbollah is helping Assad fight Syria uprising, says Hassan Nasrallah," The Guardian (UK), April 30, 2013, <https://goo.gl/wZWaCm>
- Joscelyn, Tomas (2013), "The long war Journal, Al-Qaeda in Iraq Al-Nusrah Front emerges as rebranded single entity", Long War Journal, April 9. Link: <http://bit.ly/1rtfUVn>
- McClelland, Charles A (1997), "the Anticipation of International Crisis", International Studies Quarterly, Vol 21, No. 1.
- Nazemroaya, Mahdi Darius (2013), "The Eurasian Triple Entente: Touch Iran in a War, You Will Hear Russia and China. pp: 1-5/
- Samii, Abbas William, (2008), "A Stable Structure on Shifting Sands: Assessing the Hezbollah-Iran-Syria Relationship", The Middle East Journal, 62 (1).
- Seeberg, Peter. (2012), "Syria and the EU. The crisis in Syria and the international sanctions with a focus on Syrian-EU relations." Videncenter om det moderne Mellemsten.

۳- منابع الکترونیکی

- *خبرگزاری تسنیم* (۱۳۹۴): «جنگ علیه داعش ممکن است نیم قرن طول بکشد»؛ ش خبر: ۸۰۹۰۰۹، لینک خبر: <http://bit.ly/1Z808tV>.

- *خبرگزاری فارس* (۱۳۹۵): «انفجارهای هماهنگ در بروکسل، ۳۰ کشته، ۱۳۶ زخمی»؛ ش خبر: ۱۳۹۵۰۱۰۳۰۰۰۱۸۲، لینک خبر:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950103000182>

- *همشهری آنلاین* (۱۳۹۲): «نقشه توزیع قومی و مذهبی در سوریه»؛ ش خبر: ۲۵۰۴۹۷، لینک خبر: <http://siasatrooz.ir/vdcirzaq.t1avr2bcct.html>.

- *وبسایت پیشکسوتان جهاد و شهادت* (۱۳۹۰): «صاحبان قدرت در سوریه و ساختار سیاسی این کشور»؛ ش خبر: ۲۵۱، لینک خبر: <http://bit.ly/1Wa6JWO>.

- *وبسایت خبرآنلاین* (۱۳۹۴): «تازه‌ترین آمار از میزان تلفات جنگ سوریه»؛ منتشرشده در تاریخ جمعه ۱۱ دی ۱۳۹۴، ش خبر: ۴۹۴۶۳۶، لینک خبر:

<http://khabaronline.ir/detail/494636/World/middle-east>.

- *وبسایت خبری عصر ایران* (۱۳۹۴): «آوارگان سوریه به روایت آمار و ارقام»؛ تاریخ انتشار ۷ آبان ۱۳۹۴، ش خبر: ۴۲۷۲۳۱، لینک خبر: <http://www.asriran.com/fa/news/427431>.

- فیلیس، تیموتی و آیسیکوویتس، نیر، «راز داعش در جذب نیرو از غرب چیست؟»، *وبسایت دیپلماتسی ایرانی*، آخرین تاریخ به روزرسانی سایت: پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۶، مقاله شماره: <http://bit.ly/1Yj3Enp>، ۱۳۱۹۰۳۰.

- *وبسایت سیاست روز* (۱۳۹۰): «اردوغان سقوط حکومت سوریه را پیش‌بینی کرد»؛ ۲۶ شهریور ۱۳۹۰، لینک خبر: <http://siasatrooz.ir/vdcirzaq.t1avr2bcct.html>.

- *وبسایت موسسه مطالعات جنگ*:

Kozak, Chris, “ALEPPO WARNING UPDATE”, Institute of the Study of War Website, published at APRIL 7, 2016, <https://goo.gl/FNrhZe>, Report Code: FmDI7NJJ